



Validity of Proof of Claim in the International Court of Justice

Ismail Hasanzadeh¹, Saber Niyavarani^{*2}, Mohsen Mohebi³

1. Ph.D Student in International Law, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Public and International Law, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Public and International Law, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 65-72

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0002-3635-1361

TELL: +989121065884

Email: sabberniyavarani@gmail.com

Article history:

Received: 02 Jul 2022

Revised: 03 Aug 2022

Accepted: 13 Aug 2022

Published online: 23 Sep 2022

Keywords:

Evidence, Proof of Claim, Testimony, International Court of Justice.

ABSTRACT

In the field of the international system, one of the important issues that arise in the proceedings is determining the validity of evidence to prove the claim. Evidence is considered as a means of proving the positions of each of the sides of the dispute in a judicial process. The most common proofs that can be presented before international institutions are written proofs and oral proofs. The purpose of the present research is to investigate the validity of the proofs of the claim in the International Court of Justice. This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles. Most of the rules governing the evidence to prove the case are contained in the founding statute of the International Court of Justice; However, many evidences to prove the case are adopted from the existing procedures in the court.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2022 The Authors.

How to Cite This Article: Hasanzadeh, I; Niyavarani, S & Mohebi, M (2022). "Validity of Proof of Claim in the International Court of Justice". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 2(3): 65-72.



مقدمه

ادله اثبات دعوا در هر نظام حقوقی و از جمله در نظام حقوق بین‌الملل در قوانین دادرسی انعکاس یافته است. ادله‌ی اثبات به طور کلی عبارت است از هر وسیله‌ای که مرجع قضایی با توسل یافتن بدان بتواند وجود یا عدم وجود یک حقیقت را احراز نماید. لذا، ادله اثبات دعوا در هر رسیدگی قضایی نقش اساسی در حصول نتیجه منصفانه برای هریک از اطراف اختلاف ایفا می‌نماید. شاید در بادی امر این‌گونه به نظر برسد که موضوعات مربوط به ادله اثبات دعوا با حوزه حقوق شکلی ارتباط تنگاتنگی دارد اما بار اثبات دعوا ماهیتی دوگانه دارد و از یک سو مبتنی بر شیوه‌ها و اشکال ارایه دلیل می‌باشد که ماهیت شکلی دارد و از طرفی دیگر واسطه اثبات ادعا می‌باشد که جنبه ماهوی دارد. برای تصدیق قواعد و انطباق وقایع عینی با آن‌ها، وجود نهادی مستقل، دائم و مؤثر ضرورت دارد تا در مقام ثالث میان طرفین دعوا یا به عبارت دیگر اشخاصی که منافع آن‌ها در اصطکاک و رویارویی قرار دارد به قضاوت و داوری پرداخته و اختلاف حاصل را بر اساس قواعد موجود حل و فصل نماید. دیوان بین‌المللی دادگستری با بهره‌گیری از قواعد موجود و تفسیر آن‌ها در پرتو عدالت بین‌المللی و انصاف، همواره حقوق بین‌الملل را بسط و توسعه داده، با ضروریات و واقعیات جامعه بین‌المللی انطباق داده، ارزش‌های حاکم بر جامعه بین‌المللی را استحکام بخشیده و مآلاً نظام بین‌المللی را تقویت کرده است (موتق، ۱۳۸۵: ۳۷۹). لذا دیوان بین‌المللی دادگستری به‌عنوان رکن قضایی ملل متحد، نقش اساسی در شکل‌گیری قواعد آیین دادرسی بین‌المللی ایفا می‌کند. از طرفی در رسیدگی‌های بین‌المللی به دلیل دشواری‌های خاصی که در یک اختلاف بین‌المللی در مورد تحصیل دلیل مطرح است، موجب شده که نسبت به پذیرش ادله انعطاف‌پذیری بیشتری اتخاذ گردد. همچنین به دلیل الزامات خاصی که در جامعه بین‌المللی وجود دارد باعث شده است که قواعد ناظر به ادله اثبات دعوا در این‌گونه رسیدگی‌ها به صورت خاص و منحصر باشد. از طرفی یکی از موضوعات قابل طرح در این مقاله مسأله

جنایت جنگی است که موجبات ارتباط بین دیوان بین‌المللی کیفری و دیوان بین‌المللی دادگستری را فراهم می‌کند. دیوان بین‌المللی کیفری بر مبنای اساس‌نامه مصوب کنفرانس ۱۹۹۸ در رم و در جهت مبارزه با نقض صلح و امنیت تأسیس شده است. دیوان بین‌المللی دادگستری نیز هدف مقرر در ماده ۱ منشور سازمان ملل متحد که همان حفظ صلح و امنیت بین‌المللی می‌باشد را تعقیب می‌نماید. این دو نهاد در مورد بعضی از مباحث ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند که جنایت جنگی نیز از این امر مستثنی نیست. اگر در جریان رسیدگی به اختلاف میان دولت‌ها در دیوان بین‌المللی دادگستری، موضوعی مربوط به حقوق کیفری بین‌المللی که در صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری است ارائه شود، در این صورت دیوان بین‌المللی دادگستری باید با توسل به اظهارات مناسب توسط دیوان بین‌المللی کیفری هدایت شود (Roswne, 2007: 355). لذا در این مقاله به شناسایی اعتبار ادله اثبات در دیوان بین‌المللی دادگستری می‌پردازیم که بعضاً در اسناد مؤسس و عمدتاً از رویه آن دیوان قابل استفاده است.

۱- مبانی نظری

۱-۱- مفهوم‌شناسی ادله اثبات دعوی

در علم حقوق، زمانی سخن از دلیل می‌شود که رویدادی رهنمون حرکت عقل به سوی واقع شود. به بیان دیگر، هرگاه عقل از نشانه‌های یافته خود بتواند به امری مجهول پی ببرد، آن نشانه را دلیل می‌نامند، خواه رویدادی خارجی باشد یا حکمی از قانون. به همین اعتبار است که گاه دلیل مرادف با برهان و قیاس نیز به کار برده می‌شود و بیان شده است که هرچه روح را به وجود حقیقت اقناع کند، دلیل است. بدین ترتیب معنای حقوقی و قضایی اثبات نیز از آن چه بیان شد، دور نیفتاده است. زیرا، دلیل عبارت از نشانه‌های وجود واقعی می‌باشد که مورد اختلاف است. (کاتوزیان، ۱۴۰۰: ۲۰)

دعوا نیز در یک تعریف به شرح زیر بیان شده است: «دعوا، عبارت از توانایی قانونی مدعی حق (تضییع یا انکار شده) است در

مراجعه به مراجع صالح در جهت به قضاوت گذاردن، وارد بودن و یا نبودن ادعا و ترتب آثار قانونی مربوط» (شمس، ۱۴۰۰: ۱۳).

تعریفی از ادله اثبات دعوی، در اسناد مؤسس دیوان بین‌المللی (از جمله در اساس‌نامه و آیین دادرسی دیوان بین‌المللی دادگستری) ارائه نشده است. به طور کلی در دیوان بین‌المللی دلیل به شرح ذیل تعریف می‌شود: «اسنادی که یکی از طرفین دعوی به اراده خود و یا براساس درخواست دیوان در جهت اثبات حقیقتی مورد ادعا و یا یک حق قانونی مورد ادعا، ارائه می‌کند».

(آیین دادرسی دیوان بین‌المللی دادگستری، ۲۰۰۶: ۲۵)

شایان ذکر است هدف از هر رسیدگی قضایی بررسی به صورت مستقل و بی‌طرفانه است؛ که مقدمه این شرط ارائه مدارک و شواهد توسط طرفین دعوی و تحصیل دلیل توسط مرجع رسیدگی کننده می‌باشد و سپس مرجع رسیدگی کننده بر مبنای میزان ارزش اثباتی هر یک از ادله اقدام خواهد نمود. (Sandifer, 1975:1)

۱-۲- جایگاه ادله اثبات دعوی در رسیدگی‌های بین‌المللی

در ارتباط با ادله اثبات، در هر رسیدگی قضایی چهار موضوع اساسی بررسی می‌شود: ۱- چه چیزی باید اثبات شود؟ ۲- چه کسی باید آن را اثبات کند؟ ۳- چگونه به اثبات خواهد رسید؟ ۴- به چه کسی باید به اثبات برسد؟ (Mani, 1980: 190)

به طور کلی در اثبات دعوا آنچه که حائز اهمیت است آن است که کدام یک از اطراف دعوا باید موضوع مطرح شده در نزد دیوان را به اثبات برساند. درباره بار اثبات دعوا دو موضوع باید از یکدیگر تفکیک شوند. موضوع اول آنکه چه کسی باید حقیقتی را به اثبات برساند. به عبارت بهتر، بار اثبات دعوا بر عهده کدام یک از اطراف دعوا می‌باشد و موضوع دوم آنکه اگر طرف مسؤول اثبات یک حقیقت قادر به این امر نباشد و یا همکاری لازم در این زمینه ننماید، از حیث آثار حقوقی به چه صورت می‌باشد. اساس‌نامه و قواعد رسیدگی دیوان در این خصوص تقریباً تا حدود زیادی ساکت است. شاید بتوان

گفت علت این امر آن است که معمولاً قواعد و مقررات مرتبط با اثبات یک ادعا در زمره اختیارات ذاتی دادگاه‌ها و دیوان بین‌المللی به حساب می‌آید و کمتر نیازی به اعلام آن‌ها می‌باشد. با این وصف، به طور کلی می‌توان بیان داشت که دیوان همانند موضوعات دادرسی دیگر تمایل زیادی به اعمال مضیق قواعد اثبات دعوا نداشته و در این زمینه بسیار انعطاف پذیر عمل می‌کند.

۱-۳- وضعیت قواعد ادله اثبات دعوی در رسیدگی‌های بین‌المللی

یکی از نویسندگان حقوقی در مورد وضعیت قواعد ادله اثبات دعوا در رسیدگی‌های بین‌المللی بیان می‌دارد: «قواعد ادله اثبات دعوا اقتباس شده از رویه رسیدگی‌های هیأت منصفه یا رسیدگی کیفری و مدنی جایگاه چندانی در رویه بین‌المللی ندارند، زیرا به طور کلی در حقوق بین‌الملل، هیأت منصفه و یا قضاتی وجود نداشته‌اند که به همه موضوعات حکمی و موضوعی مرتبط با دعوا اتخاذ تصمیم نمایند. و در رویه بین‌المللی به ندرت شاهد اعتراض یکی از اصحاب دعوا در مورد صحت حقایق مطروحه هستیم. موضوعی که حائز اهمیت آن است که در رسیدگی‌ها بار اثبات حقایق یا ارتباط آن‌ها با موضوع دعوا چیست و درباره این موضوع دادگاه باید تصمیم بگیرد. اگر مسائل مرتبط با یک حادثه از دیدگاه اطراف دعوا مورد اختلاف باشد، اما این اختلاف دیدگاه موجبات اختلاف اساسی در دیوان‌های بین‌المللی را فراهم نمی‌کنند و دادگاه‌ها با همکاری اطراف دعوا سازوکارهایی را به‌منظور حل اختلافات به‌وجود می‌آورد.» (مؤسسه بین‌المللی درویت، ۲۰۰۳: ۳۶۷) لذا به دست آوردن یک نتیجه مطلوب در دادرسی‌های بین‌المللی نیازمند انعطاف‌پذیری بیشتری است.

در ارتباط با قواعد حاکم بر ادله اثبات اولاً: اختلافات بین‌المللی عموماً در ارتباط با رخدادهایی می‌باشد که در گذشته اتفاق افتاده‌اند و لذا جمع‌آوری و ارایه ادله کافی، در بسیاری موارد کاری بسیار دشوار خواهد بود؛ ثانیاً: فاصله مکانی میان محل وقوع اختلاف و محل برگزاری دیوان‌ها می‌تواند به‌عنوان مانعی به حساب آید؛ ثالثاً: به واسطه

۲-۱-۱- نقشه

نقشه نمایشی از واقعیات جغرافیایی است که اغلب واقعیات سیاسی مرتبط با آن را نیز شامل می‌شود. به‌طور کلی در رابطه با نقشه به‌عنوان دلیل باید بیان نمود: «نقشه‌های رسمی در تایید یا اثبات اعمال حاکمیت نسبت به یک منطقه مورد اختلاف از اهمیت به‌سزایی برخوردار هستند و نیز دلیلی حاکی از رویکرد فکری یک طرف محسوب می‌شوند.» (Hyde, 1933: 311)

اگر نقشه در متن معاهده یا منضم به معاهده باشد، نسبت به سایر نقشه‌ها اولویت خواهد داشت زیرا که تجلی توافقی طرفین بر محتوای سیاسی آن است. این در حالی است که سایر نقشه‌ها نهایتاً نشانگر نظر برخی از طرف‌های اختلاف هستند که نسبت به دسته اخیر عملکرد دیوان بین‌المللی به نقشه همانند شهادت است و بایستی اصل استقلال و بی‌طرفی شاهد و اعتبار منابع اطلاعاتی وی مورد ارزیابی دقیق قرار گیرد. (Hyde, 1933: 314) در طول دوران حیات دیوان دائمی، طرفین دعوا در چندین مورد در جهت اثبات ادعاهای خود از نقشه استفاده کرده‌اند. برای نمونه در پرونده «مینکوارس و ارکوز» اصحاب دعوا اقدام به ارائه برخی ادله کارتوگرافیک نموده‌اند و نقشه‌هایی را نیز ارائه نمودند. در طی جلسات استماع، مشاور حقوقی دو نقشه نیز از یک اطلس آلمانی معروف ارائه نمود که در آن نقشه دو منطقه جغرافیایی مینکوارس و ارکوز به‌عنوان منطقه در حاکمیت کشور انگلیس نشان داده شده بود و لذا براساس ارائه مستند خود (نقشه) از دیوان درخواست نمودند تا این نقشه‌ها را نیز لحاظ کند. مشاور حقوقی فرانسه در مقابل ضمن تأکید بر اهمیت نقشه در اختلافات سرزمینی به ارائه چندین نقشه بی‌طرف پرداخت که دیوان به این نقشه‌ها اشاره نمود و صرفاً قاضی کاینرو دیدگاه‌های خود را بین شرح بیان داشت: «نقشه‌ها به‌عنوان ادله همواره در حل و فصل مسایل حقوقی مرتبط با حاکمیت سرزمینی قاطع دعوا نمی‌باشند. اما می‌توانند تجلی‌گر این واقعیت باشند که اشغال یا اعمال حاکمیت برای همگان

حاکمیت انحصاری دولت‌ها در قلمرو جغرافیایی خود، نه برای دیوان و نه برای طرف‌های دیگر اختلاف، امکان جمع‌آوری مستقیم شواهد در آن قلمرو وجود نخواهد داشت. (کورفو، ۱۹۴۹: ۱۸)

۲- مروری بر ادله اثبات دعوی در دیوان بین‌المللی دادگستری

متداول‌ترین ادله اثبات دعوی در دیوان بین‌المللی دادگستری، ادله مکتوب و ادله شفاهی می‌باشد. نقشه و عکس و نظایر آن در زمره ادله‌ی مکتوب قلمداد می‌شوند و شهادت شهود و کارشناسان به‌عنوان اصلی‌ترین شکل ادله شفاهی محسوب می‌شوند که در ذیل به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

۲-۱- ادله مکتوب

ادله مکتوب یکی از متداول‌ترین شکل ادله در دیوان بین‌المللی دادگستری محسوب می‌شود. به عبارت بهتر، به‌کارگیری ادله کتبی یکی از ویژگی‌های مهم در رسیدگی‌های بین‌المللی محسوب می‌شود و ادله شفاهی استثنایی در رویه‌های بین‌المللی تلقی می‌گردند. شایان ذکر است، دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی صرفاً در یک پرونده و دیوان بین‌المللی دادگستری در دو پرونده که عبارتند از: پرونده کانال کورفو و پرونده افریقای جنوب غربی، به استماع شهادت شهود پرداختند. (Sandifer, 1975: 197)

در یک طبقه‌بندی کلی، ادله مکتوب به چهار نوع اصلی تقسیم می‌شوند که عبارتند از: ۱- معاهدات انتشار یافته در مجموعه‌های شناخته شده متون قراردادی و یا بین‌المللی؛ ۲- مکاتبات به‌صورت رسمی سازمان‌های بین‌المللی و یا مجلس‌های قانون‌گذاری؛ ۳- یادداشت‌های اعم از منتشر شده یا منتشر نشده دیپلماتیک و یا اعلامیه‌های به‌صورت رسمی و مکتوبات دیگر مانند: کتب، نمودار، نقشه، ترازنامه، عکس، فیلم، نظر حقوقی کارشناسان و یا...؛ و ۴- شهادتنامه (Rosenne, 1965: 557) که در ذیل به بررسی مهم‌ترین ادله مکتوب می‌پردازیم.

شبه کیفری برخوردار هستند و یا اینکه اثبات برخی از وقایع مورد نیاز است. همچنین حضور شهود کارشناسان در مورد پرونده‌هایی بیشتر مطرح بوده است که از جنبه‌های فنی و تخصصی برخوردارند. البته نکته حائز اهمیت آن است که مسؤولیت‌های شهود و شهود کارشناسان صرفاً محدود به امور موضوعی بوده و وظیفه‌ای در باب بیان قانون حاکم بر دعوا ندارند. این موضوع از قاعده علم دادگاه نسبت به قانون منبعث می‌شود. با این وصف، می‌توان از کارشناسان متخصص در حقوق داخلی مورد اختلاف پرونده‌ها استفاده نمود، چراکه قاعده مذکور صرفاً به حقوق بین‌الملل محدود می‌شود و شامل حقوق داخلی کشورها، که ممکن است موضوع دعوایی را تشکیل دهند، نمی‌شود. شهادت کارشناسی در اختلافات بین‌المللی نیز عمدتاً به موضوعات تخصصی غیر حقوقی برمی‌گردد. با این وصف، در برخی موارد می‌توان از نظریه حقوقی کارشناسان در مورد حقوق داخلی کشورها نیز استفاده کرد. (سادات میدانی، ۱۳۹۴: ۲۴۰). نکته حائز اهمیت آنکه تمایز میان شهود و کارشناسان در آن است که شهود صرفاً مجاز به بیان حقیقت بدون استنتاج و اظهارنظر شخصی می‌باشند ولی کارشناسان موظف هستند که در موضوعات پیچیده و تخصصی، استنتاج و نتیجه‌گیری حرفه‌ای خود را در اختیار دیوان قرار دهند. بدین دلیل، سوگند ایشان ناظر به ارایه باور واقعی خود از موضوع است و نه صرفاً بیان حقایقی که به دست آوردند. در قضیه کانال کورفو، دیوان بین‌المللی دادگستری صراحتاً این موضوع را مورد تأکید قرار می‌دهد که وظیفه کارشناسان، تنظیم گزارشی فنی و تخصصی از موضوع مورد اختلاف نمی‌باشد بلکه ارایه نظر دقیق و صریح در خصوص سؤال‌هایی است که به ایشان ارجاع شده است. (پرونده کانال کورفو، ۱۹۴۸: ۱۲۶)

دیوان بین‌المللی دادگستری در دو مورد مستقیماً به استماع شهود استناد نموده است. در قضیه کانال کورفو رویه مشابهی بر مبنای چگونگی طرح سؤال‌ها و نظارت دیوان در پیش گرفته شد. همچنین شهود تا زمان نوبت شهادت خود حق

آشکار بوده است. بررسی و مطالعه تخصصی در جهت اتخاذ تصمیم در مورد صحت دیدگاه‌های متعارض در خصوص نقشه‌ها ضروری است. به‌طور کلی، نقشه‌ها کمک کافی برای اتخاذ تصمیم نمی‌کنند. لذا شخصاً نقشه‌ها را به‌عنوان دلیل لحاظ نمی‌کنم.» (رای قاضی لول کاینرو، ۱۹۵۳: ۶۲)

۲-۱-۲- شهادت‌نامه

شهادت‌نامه در هر دو دسته ادله مکتوب و ادله شفاهی قرار دارد. شهادت‌نامه عبارت است از: «اظهارنامه‌ای مکتوب که توسط شخص ذی‌نفع یا شاهد در مورد یک واقعیت یا اعتبار یک سند، به صورت سوگند ارایه می‌شود.» (Mani, 1980: 225) در سیستم‌های حقوق مدنی صرفاً شهادت‌نامه رسمی مورد قبول است و شرط پذیرش آن این امر است که باید با نظارت دادگاه و حضور طرفین اختلاف رسیدگی شود. اما در سیستم‌های حقوق عرفی، شهادت‌نامه عادی که توسط یک طرف آماده شده است نیز قابل پذیرش است. این امر به دلیل ضرورت‌های اجرایی از قبیل عدم امکان حضور شهود در دادگاه است. ولی در سیستم حقوق عرفی به دلیل عدم پرسش متقابل به‌عنوان رکنی در شهادت در این نظام، باعث شده است که در حتی در سیستم حقوق عرفی نیز شهادت‌نامه به‌طور محدود و با ارزش اثباتی نامعین به‌کار گرفته می‌شود. (Sandifer, 1975: 234)

۲-۲- ادله شفاهی

به دشواری می‌توان تعریف کاملی از ادله شفاهی ارائه نمود که شامل کلیه عملکرد نظام‌های حقوقی باشد، اما باید بیان نمود عموماً ادله شفاهی را شامل ادعاهای قضایی که توسط افرادی خارج از دعوا (اشخاص ثالث) مطرح می‌شود، قلمداد کرده‌اند. (Sandifer, 1975: 288) در اساس‌نامه و قواعد رسیدگی دیوان بین‌المللی دادگستری امکان حضور شاهد و شاهد کارشناس در جریان رسیدگی شفاهی پیش‌بینی شده است.

اهمیت شهادت شهود و شهود کارشناس بیشتر در دیوان در مورد آن دسته از پرونده‌هایی مطرح می‌شود که از خصیصه

شده برای دادرسی توسط دیوان مورد ارزیابی دقیق قرار می‌گیرد تا معین شود که آیا نسبت به آنچه که شهادت داده شده است، تحت تأثیر افرادی که شهادت را گرفته‌اند، بوده‌اند و یا اینکه در آنچه که بیان نموده‌اند ذی نفع بوده‌اند. لذا، شهادت‌نامه‌هایی که با هدف یک دادرسی ارائه می‌شوند، مناسب نمی‌باشند، همانند اینکه گواهی، دانش شخصی یک فرد خاص از حقایق باشد. همچنین اهلیت شاهد برای گواهی حقیقت در دیوان حائز اهمیت است. به‌عنوان نمونه اظهارات یک مقام حکومتی رسمی در زمینه خطوط مرزی از اظهارات یک فرد خصوصی حائز اهمیت‌تر است.» (دعوی نیکاراگوئه و هندرواس، ۲۰۰۸: ۲۲۴)

نتیجه‌گیری

ادله اثبات در رسیدگی‌های قضایی بین‌المللی نقش حیاتی را ایفا می‌کند. طرفین دعوی هریک باید محق بودن خود را به اثبات برسانند و صرف ارائه دلیل کفایت نمی‌کند و نباید در اثبات ادله اصحاب دعوی تردیدی وجود داشته باشد. نظام حقوق بین‌الملل به‌عنوان یک اصل بنیادین بر مبنای رضایت دولت‌ها بنا شده است. بر این اساس، تعهدات بین‌المللی دولت‌ها، بجز در موارد استثنایی به‌واسطه رضایت صریح یا ضمنی تشکیل می‌شود. از طرف دیگر، نتیجه رسیدگی‌های بین‌المللی تأثیر به‌سزایی بر منافع عالی دولت‌ها خواهد داشت. لذا توسل یافتن به روش‌های حل‌وفصل اختلافات در جهت ترغیب دولت‌ها نیازمند جلب اعتماد ایشان نسبت به نتیجه منصفانه رسیدگی قضایی است که نیازمند انعطاف‌پذیری و در نظر داشتن شرایط خاص هر پرونده خواهد بود. انعطاف‌پذیری نیز به‌معنای عنایت به محتوا و عدم اهمیت قواعد شکلی جزئی است. ویژگی انعطاف‌پذیری دیوان در شکل ادله تجلی می‌یابد؛ به عبارت بهتر نسبت به شکل ادله در دیوان محدودیتی اعمال نمی‌شود و ادله اثبات در هر دو شکل ادله مکتوب و ادله شفاهی به‌کار گرفته می‌شود. اما آنچه که حائز اهمیت است آن است که ادله مکتوب به‌عنوان اصل و ادله شفاهی به‌عنوان استثنا تلقی می‌شوند.

حضور در جلسه دیوان را نداشتند؛ در صورتی که نسبت به حضور کارشناسان چنین محدودیتی اعمال نگردید. (Alford, 1958: 71) علاوه بر این، شهادت در برابر دیوان بین‌المللی می‌تواند خارج از دیوان و در نزد مرجعی که دیوان تعیین می‌نماید، انجام شود. در این شرایط شهادت‌نامه رسمی (صورت جلسه شهادت اقامه شده) به‌عنوان دلیل به دیوان عودت داده خواهد شد. این رویه در دیوان‌های داوری در نتیجه ملاحظات اجرایی است که شکل غالب در ادله شفاهی دارد و مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: با عنایت به رویه انعطاف‌پذیر دیوان‌های بین‌المللی در ارزیابی شهود و تعدد آن‌ها، استماع شهود نیازمند زمان زیادی است؛ بعد مسافتی شهود از محل برگزاری دیوان که این مسأله هزینه‌های گزافی برای حضور شهود به دنبال خواهد داشت و نهایتاً ناتوانی عمومی دیوان‌ها برای الزام شهود به حضور در برابر دیوان. (Sandifer, 1975: 311)

دیوان در پرونده «اختلاف سرزمینی و مرزی بین نیکاراگوئه و هندرواس در دریای کارائیب» سعی نمود تا ارزش اثباتی شهادت‌نامه‌های مختلف را بیان کند و در این باره اشعار داشت: «دیوان تأکید نمود در رابطه با اظهارات شهود به‌صورت شهادت‌نامه باید با احتیاط رفتار نماید. در ارزیابی شهادت‌نامه‌هایی از این قبیل، دیوان می‌بایست به ارزیابی عوامل مختلفی بپردازد. برای نمونه دیوان باید به ارزیابی این سؤال بپردازد که آیا این شهادت‌نامه‌ها از سوی مقامات رسمی ارائه شده‌اند و یا اینکه این شهادت‌نامه‌ها توسط اشخاص خصوصی که هیچ نفعی در پرونده مذکور ندارند ارائه شده است و آیا چنین شهادت‌نامه‌هایی گواه حقیقتی هستند و یا اینکه فقط به ابراز نظر در مورد برخی وقایع می‌پردازند. همچنین دیوان تأکید نمود که در پاره‌ای از پرونده‌ها، ادله‌ها می‌توانند از ارزش به‌سزایی برخوردار باشند. شهادت‌نامه‌ای که از طرف یک مقام دولتی در جهت ارائه در دادرسی مرتبط با حقایق پیشین بیان شده باشند، ارزش آن‌ها نسبت به شهادت‌نامه‌هایی که در زمان وقوع حقایق مرتبط ارائه می‌شوند، کمتر است. در شرایط دیگری که دلیلی برای ارائه شهادت زودتر از طرف اشخاص خصوصی وجود نداشته باشد، شهادت‌نامه تنظیم

- Corfu Channel, United Kingdom v, Albaania, Merits, I.C.J.

- Hyde, Ch (1933). "Maps as Evidence in International Disputes". *AJIL*, 27: 301-323.

- Individual Opinion of Judge Levi Carneiro (1953). *The Minquiers and Ecrehos*, France-United Kingdom: I.C.J.

- Mani, S (1980). *International Adjudication: Procedural ASPECTS*. Martinus: Nijhoff Publishers.

- Mendes, E (2010). *Peace and Justice at the International Criminal Court: A Court of Last RESORT*. NP: NP.

- Rosenne, Sh (1997). *The Law Practice of International Law Court, 1920-1996*. Martinus: Nijhoff Publishers.

- Sandifer, D (1975). *Evidence before International Tribunals*. Virginia: University Press of Virginia.

- Territorial and Maritime, Dispute between Nicaragua and Honduras in the Caribbean Sea (Nicaragua v. Honduras), (2008).

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.

تعارض منافع: نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافع بوده است.

سهم نویسندگان: در این پژوهش، نویسنده نخست به‌عنوان نویسنده اصلی متن و نویسنده دوم به‌عنوان همکار علمی و ناظر تحقیق عمل کرده‌اند.

تشکر و قدردانی: از همه بزرگوارانی که در نگارش این مقاله نویسندگان را یاری نموده‌اند، نهایت قدردانی و تشکر را دارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- سادات میدانی، سیدحسین (۱۳۹۱). «ضابطه یا استاندارد اثبات دعوا در رویه قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری». فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۴۱(۱): ۱۶۱-۱۷۹.

- شمس، عبدالله (۱۴۰۰). *آیین دادرسی مدنی دوره بنیادین*. جلد دوم، چاپ پنجاه و یکم، تهران: انتشارت دراک.

- کاتوزیان، ناصر (۱۴۰۰). *اثبات و دلیل اثبات (شهادت، اماره، سوگند، اصول عملی)*. جلد اول، چاپ دهم، تهران: انتشارات میزان.

- موثق، هومن (۱۳۸۵). «تحلیل رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه لاگرانژ». *سالنامه ایرانی حقوق بین‌الملل و تطبیقی*، ۲: ۳۴۶-۳۸۹.

ب. منابع انگلیسی

- Alford, N (1958). "Fact Finding by the World Court". *Villanova Law Review*, 4: 57-81.